



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۶/۰۳/۱۲

ملک ستیز

## به رسمیت‌شناسی احتمالی طالبان توسط ایران ضرورت یا بن‌بست سیاسی؟

تصور کنید جمهوری اسلامی ایران طالبان را به رسمیت بشناسد. در چنین حالتی چه چیزی تغییر خواهد کرد؟ در شرایط کنونی که ایران با بحران مشروعیت داخلی و کاهش مقبولیت بین‌المللی روبه‌رو است چنین اقدامی چه هدفی می‌تواند داشته باشد؟

به نظر می‌رسد این اقدام بیش از آن‌که ناشی از انتخابی راهبردی باشد از نوعی ناچاری سیاسی سرچشمه می‌گیرد. ایران در تلاش است برای خود در معادلات منطقه‌ای جایگاهی تثبیت کند و از انزوای فزاینده فاصله بگیرد. با این حال چنین به رسمیت‌شناسی نه تنها سودی برای افغانستان ندارد بلکه حتی لزوماً به نفع طالبان نیز نیست.

طالبان در موقعیتی قرار دارند که برخی دولت‌های منطقه به‌ویژه در خاورمیانه در حال بازتنظیم یا بهبود روابط خود با آنان هستند. اما شناسایی رسمی از سوی ایران که خود با فشارهای سیاسی و اقتصادی گسترده روبه‌رو است می‌تواند پیامدهای پیچیده‌تری داشته باشد و حتی بر نحوه تعامل سایر بازیگران منطقه‌ای با طالبان تأثیر بگذارد. این اقدام ممکن است جایگاه طالبان را در برخی معادلات منطقه‌ای تغییر دهد اما الزاماً به تثبیت موقعیت آنان کمک نخواهد کرد.

از سوی دیگر این به رسمیت‌شناسی را نمی‌توان اقدامی در جهت منافع مردم افغانستان یا ایران دانست؛ بلکه بیشتر در راستای منافع سیاسی کوتاه‌مدت حکومت ایران قابل تفسیر است. حکومتی که خود در معرض تهدیدهای امنیتی فشارهای خارجی و نگرانی از درگیری‌های احتمالی منطقه‌ای قرار دارد و می‌کوشد در محیط پیرامونی خود حداقلی از نفوذ یا هم‌پیمانی ایجاد کند. در چنین شرایطی حتی سکوت یا احتیاط برخی قدرت‌ها مانند روسیه نیز نشان می‌دهد که این اقدام لزوماً حامل پیام مهمی برای جامعه جهانی نیست.

از منظر دیگر هنگامی که نظام‌های سیاسی گرفتار بحران‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی، یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند، این شناسایی الزاماً به تقویت مشروعیت متقابل نمی‌انجامد و حتی ممکن است برای هر دو طرف هزینه‌هایی ایجاد کند. چنین وضعیتی می‌تواند نزد افکار عمومی به‌ویژه در ایران و افغانستان نوعی هم‌سرنوشتی میان مردمانی را تداعی کند که حکومت‌هایشان با چالش‌های عمیق مشروعیت سرکوب سیاسی و محدودیت‌های گسترده مواجه‌اند.

از نظر اقتصادی نیز این اقدام چشم‌انداز روشنی ندارد. تجربه نشان داده است که تعامل گسترده میان حکومت‌هایی که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارند اغلب به گسترش دامنه فشارها و محدودیت‌ها منجر می‌شود. در چنین شرایطی نه تنها اقتصاد افغانستان تقویت نمی‌شود بلکه احتمال تشدید انزوای اقتصادی نیز وجود دارد.

در سطح ژئوپولیتیک منطقه‌ای نیز مسئله پیچیده‌تر می‌شود. افغانستان و طالبان در روابط خود با پاکستان با تضادها و حساسیت‌های جدی روبه‌رو هستند. هرگونه عدم توازن در سیاست خارجی میان ایران و پاکستان می‌تواند برای افغانستان پیامدهای داخلی و منطقه‌ای به همراه داشته باشد. اگر طالبان تصور کنند که شناسایی از سوی ایران به معنای تقویت موقعیت منطقه‌ای آنان است این برداشت می‌تواند تعادل سیاست خارجی افغانستان را مختل کرده و روابط آن را با دیگر بازیگران منطقه‌ای پیچیده‌تر سازد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

در مجموع دشوار است بتوان انتظار داشت که به رسمیت‌شناسی طالبان از سوی جمهوری اسلامی ایران تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر وضعیت سیاسی منطقه بگذارد. این اقدام نه تضمینی برای بهبود وضعیت افغانستان فراهم می‌کند نه به ثبات منطقه‌ای کمک قطعی می‌رساند و نه لزوماً جایگاه بین‌المللی طرفین را تقویت می‌کند. بیش از هر چیز این تصمیم را می‌توان در چارچوب ملاحظات مقطعی و محاسبات محدود سیاسی تفسیر کرد نه به‌عنوان تحولی بنیادین در معادلات منطقه‌ای که به نفع طرف‌ها باشد.



[لینک آرشیف: مطالب نشر شده محترم ملک ستیز](#)